

مروری بر وضعیت وقف در جهان اسلام*

مقدمه

دکتر کشف منذر در سال ۱۹۴۰ میلادی در دمشق به دنیا آمد و در سال ۱۹۶۲ در رشته بازرگانی از دانشگاه دمشق لیسانس گرفت. در سال ۱۹۶۷، فوق لیسانس برنامه ریزی اقتصادی و اجتماعی را به پایان رساند؛ سپس به آمریکا رفت و در سال ۱۹۷۵ درجه دکترای اقتصاد با گرایش توسعه از دانشگاه ایالتی «یوتا» را اخذ کرد. وی همچنین مدت دو سال، ریاست مؤسسه آموزش و تحقیقات اسلامی بانک توسعه اسلامی را بر عهده داشته است و هم اکنون با عنوان محقق اقتصاد در این مؤسسه فعالیت می کند.

کشف منذر

ترجمه: محمد رصافی



وی در فقه و مطالعات اسلامی به ویژه در مسائل اقتصادی و مالی مرتبط با جهان اسلام مطالعات گسترده ای انجام داده است. بیش از ۱۵ جلد کتاب و ۶۰ مقاله با زبان عربی و انگلیسی نگاشته است. موضوعات عمده آثار او عبارتند از: سیستم مالی اسلام و حکومت های اسلامی، قراردادهای مالی مانند مضاربه، اقتصاد اسلامی و توسعه آن، زکات، وقف و نهادهای خیریه. مطالعات وی علاوه بر پژوهش های متنی، برخی از مطالعات موردی و میدانی درباره اوضاع جاری مسلمانان به ویژه کشورهای عربی و مسلمانان شمال آمریکا را نیز شامل می شود.

* ترجمه مدخل «Waqf» از دایره المعارف

The Oxford Encyclopedia of The Modern Islamic World

ج ۴، ص ۳۱۲ - ۳۱۶.

نیویورک، ۱۹۹۵.

زیر نظر جان اسپوزیتو.

مقاله حاضر که از دایرةالمعارف نوین جهان اسلام (World Modern Islamic)، زیر نظر جان اسپوزیتو انتخاب شده از همین قبیل است. وی علاوه بر بیان برخی مسائل بنیادین وقف به اجمال، به صورت موردی وضعیت وقف در برخی کشورهای عربی و شمال امریکا را گوشزد می‌کند. این مقاله هر چند موجز و خلاصه نگاشته شده است اما سرفصل‌هایی را مطرح می‌کند که برای پژوهشگران عرصه وقف قابل تأمل و شایسته پی‌گیری است، به ویژه آنکه تحقیقات و مطالعات وی عمدتاً با استناد به منابع فقهی و تحقیقاتی اهل سنت

وقف

تدوین شده و به عقاید و آرای شیعه توجهی نشده است. نکته مهم دیگری که در انتخاب این مقاله نقش داشت سخن گفتن مؤلف از لزوم احیا و بازسازی وقف است. نهاد وقف در سده‌های میانی اسلام نقشی اساسی و محوری ایفا می‌کرده و شایسته است پژوهشگران اسلامی با توجه به فلسفه وقف و اهداف آن و تجربه‌های کمابیش موفق گذشتگان در این زمینه، راه‌های احیا و بازسازی وقف در جهت تقویت بنیه‌های فرهنگی و اجتماعی اسلام و مسلمانان را بیابند.

• در کتب معتبر فقهی معمولاً وقف را با این عبارت مفید و مختصر تعریف می‌کنند:
«الوقف تحبیس المال و تسبیل المنفعة»؛ یعنی وقف آن است که مالی حفظ شود و درآمدهای آن در اهدافی معین مصرف شود. تعریف وقف در قانون مدنی ایران نیز ترجمه همین عبارت است. در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده است: «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود». قابل ذکر است که در برخی کتب فقهی بین حبس مال و وقف آن تفاوت قائل شده‌اند و این دو را مترادف ندانسته‌اند اما در مقاله حاضر اشاره‌ای به این موضوع نشده است. (مترجم)

وقف (جمع آن اوقاف)، کلمه‌ای عربی است که در لغت به معنای محدودیت^۱ و ممنوعیت^۲ به کار می‌رود و در دین اسلام اصطلاحی است دال بر حفظ و نگهداری اموالی خاص جهت به کارگیری منافع آن در کارهای انسان دوستانه و امور خیریه، به شرط آن که منافع، فقط در هدف یا اهداف تعیین شده برای آن مصرف شود. این تعریف ما را به یک ویژگی مهم در وقف که همانا استمرار و دوام باشد رهنمون می‌کند و به دیگر سخن، وقف در مورد املاک و اموال ماندگاری به کار می‌رود که بتوان درآمدها و عایداتی از آن به دست آورد و در موارد مشخص مصرف نمود.* بنابراین زمین و ساختمان [که اموالی ماندگار هستند] بیشتر مورد وقف قرار می‌گیرند تا اشیای دیگر؛ هر چند در مورد کتاب، ابزار کشاورزی، احشام، سهام و اوراق بهادار و پول نقد نیز وقف وجود دارد. در شمال و غرب آفریقا به جای «وقف» از کلمه «هبز»^۳ که به معنای محصور کردن و توقیف کردن است استفاده می‌کنند.

وقف در طول تاریخ

اندیشه وقف، عمری به درازای عمر بشریت دارد و از همان آغاز خلقت انسان، وقف نیز وجود داشته است. فقهای مسلمان معتقدند، ساختمان کعبه، اولین بنای وقفی است که در قرآن کریم به عنوان اولین خانه مخصوص عبادت معرفی شده است. تقریباً همه جوامع، مکان‌ها و بناهای بسیاری را به امور عبادی اختصاص داده‌اند. در طول تاریخ معابد و کلیساها و بناهایی از این قبیل، اختصاصاً برای انجام مناسک دینی ساخته و پرداخته شده‌اند. افزون بر این، فراعنه مصر املاکی جهت تأمین نیازهای مالی راهبان اختصاص دادند و یونانیان باستان و رومیان اموالی اختصاصی برای کتابخانه‌ها و امور آموزشی در نظر گرفتند. امروزه ایده وقف امری شناخته شده و پذیرفته شده در همه جای جهان است. در شمال امریکا نیز وقف وجود دارد اما با نام مؤسسات دینی و بنیادهای خیریه^۴. تنها در ایالات متحده، ده‌ها هزار از این قبیل بنیادها وجود دارد.

وقف در تاریخ اسلام

در تاریخ اسلام اولین بنای وقفی، مسجد قبا^۵ در مدینه است که در بدو ورود پیامبر اکرم (ص) به سال ۶۲۲ میلادی ساخته شد و هنوز در همان مکان باقی است اما با ساختاری جدید و توسعه یافته. شش ماه پس از ساختن مسجد قبا، مسجد النبی در مرکز مدینه بنا نهاده شد. وقف مساجد و مستغلاتی که منافع و درآمدهای آنها اختصاصاً جهت حفظ و نگهداری و تعمیر مساجد به کار می‌رود، در ردیف اوقاف دینی قرار می‌گیرند.

وقف بشردوستانه و خیرخواهانه^۶ نوع دیگری از وقف است که با هدف دستگیری از فقیران جامعه به وجود آمده است و مردم بیشتر متمایلند در این گونه از نهادها و فعالیت‌ها در قالب‌هایی مانند کتابخانه‌ها، تحقیقات علمی، آموزش، خدمات درمانی و مواظبت از حیوانات و محیط زیست سرمایه‌گذاری کنند. از این قبیل موقوفات می‌توان به عنوان وام برای تقویت و ایجاد مشاغل کوچک و ساختن و حفظ پارک، جاده، پل و سد بهره‌برداری کرد.

وقف‌های خیریه‌ای از زمان خود پیامبر اکرم (ص) شروع شد. مردی به نام مخیریق^{۷*} وصیت کرد که هفت باغستان او در مدینه پس از مرگش به پیامبر اکرم (ص) برسد. مخیریق در سال ۶۲۶ میلادی از دنیا رفت و پیامبر باغستان‌های هفتگانه را وقف فقرا و نیازمندان نمود. این شیوه توسط عمر، دومین خلیفه پیامبر اکرم (ص)، نیز پیگیری شد. هنگامی که او از پیامبر درباره نخلستانی که در منطقه خیبر به دست آورده بود سؤال کرد، پیامبر می‌فرماید: «اگر مایلی می‌توانی آن را وقف نمایی و خرماهایش را صدقه بدهی». و بدین ترتیب هنگام رحلت پیامبر اکرم (ص) در سال ۶۳۲ میلادی تعداد بسیاری از این قبیل اوقاف خیریه‌ای به وجود آمده بود.

نوع سومی از وقف، کمی پس از رحلت پیامبر و در زمان خلافت عمر (۶۴۵ - ۶۳۵) رواج یافت. هنگامی که عمر خواست سندی مکتوب برای وقف خود در خیبر (نخلستان) تنظیم کند، از بعضی اصحاب پیامبر دعوت کرد شاهد آن سند باشند. جابر، یکی دیگر از اصحاب پیامبر، بیان می‌دارد که وقتی این سند منتشر شد، بسیاری از مالکان، مقداری از املاک خود را وقف کردند. عده‌ای از این واقفان در وقف‌نامه خود این شرط را افزودند که ثمرات و عواید این وقف ابتدا به فرزندان و نسل‌های بعدی آنان تعلق بگیرد و سپس مازاد آن، اگر مازادی داشته باشد، به فقرا داده شود. چنین وقفی به «وقف خانوادگی» یا «وقف فامیلی» مشهور شد.

بر خلاف بنیادهای خیریه امریکایی که صرفاً در جهت اهداف دینی یا خیرخواهانه فعالیت می‌کنند (نوع اول و دوم از وقف)، در اسلام گونه دیگری از وقف برای حمایت از خانواده خود و نسل‌های بعدی که همین نوع سوم است به وجود آمد.**

* مخیریق نضری اسرائیلی، دانشمندی یهودی بود که مسلمان شد و در جنگ احد به شهادت رسید. هنگامی که در جنگ ضریب خورد و در حال شهادت بود وصیت کرد اموالش به پیامبر اکرم (ص) برسد و پیامبر نیز آنها را وقف نمود. عده‌ای او را از طایفه بنی‌نضیر و برخی او را از بنی‌قیظاع دانسته‌اند. (الإصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، جلد ۶، ص ۴۶، چاپ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۵ م). ** در کتب فقهی و رساله‌های عملیه، وقف به دو دسته وقف عام و وقف خاص تقسیم می‌شود. وقف عام شامل نوع اول و دوم و وقف خاص به معنای وقف نوع سوم از نظر نویسنده است. (مترجم).

ویژگیهای اساسی وقف

از لحاظ شرعی، واقف (پس از وقف) هیچ گونه مالکیتی نسبت به موقوفات ندارد. عده‌ای از فقها بر این باورند که مالکیت موقوفات از آن خداوند است. اما بعضی دیگر معتقدند مالکیت موقوفات در دست افراد ذی نفع (موقوف علیهم) است هر چند این مالکیت کامل نیست؛ به این معنا که این مالکان نمی‌توانند موقوفات را خارج از شرایط و اهداف واقف مصرف و یا هزینه کنند. در این مورد وقف با بنیاد خیریه متفاوت است، زیرا مدیریت یک بنیاد معمولاً می‌تواند دارایی‌های آن بنیاد را بفروشد. این تفاوت متضمن این نکته است که دوام و استمرار، یک ویژگی بسیار قوی در وقف است که در بنیادهای خیریه کمتر به چشم می‌خورد.

دوام و استمرار وقف به این معناست که هر گاه مهر و نشان وقف بر مالی، به ویژه در مورد املاک، بخورد آن مال برای همیشه وقف خواهد ماند و خارج کردن یک موقوفه از حالت وقفی مستلزم طی کردن فرآیندی طولانی و مشکل خواهد بود. البته در صورت موافقت مراجع و محاکم قضایی* تعویض اموال و املاک وقفی به موارد بهتر و یا به مواردی که ارزش مساوی داشته باشند اشکال ندارد. اموال و املاک جدید نیز همچنان وقف هستند و در راستای همان اهداف و مقاصد اموال و دارایی‌های پیشین استفاده می‌شود. بنابراین، در مقام نظر، حالت دوام و استمرار وقف مستلزم این معناست که اموال یا املاک وقفی نباید کاهش یا تقلیل یابد و به دلیل لزوم همین ویژگی (دوام) در وقف بوده که برخی از فقها وقف را فقط در مورد املاک و مستغلات (که حالت بقا و استمرار دارند) صحیح دانسته‌اند. عده‌ای از فقها نیز برخی کالاها را با دوام را که منافع و عواید بلند مدت دارند، به منزله املاک و مستغلات گرفته‌اند.** بنابراین، کتاب، وسایل و ابزار، احشام و پول را نیز می‌توان وقف کرد. برای حفظ موقوفات، هم واقفان و هم محاکم قضایی، احتیاط‌های مضاعفی در سندسازی و نگهداری اسناد وقف به خرج داده‌اند. آنان معمولاً بر ثبت این اسناد در محاکم قضایی و به رؤیت شهود معتبر رساندن تأکید کرده‌اند. محاکم قضایی در بسیاری از شهرها و مناطق، اسناد مفصلی از دارایی‌های وقفی را از اوایل قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی ثبت کرده‌اند که بسیاری از این اسناد هنوز موجود است و مورد مطالعه مورخان در استانبول، قاهره، فاس، دمشق، بیت المقدس، اصفهان و دیگر شهرهای کهن قرار می‌گیرد.

از آنجا که وقف یک عمل اختیاری و خیرخواهانه است، شرایطی که واقف تعیین می‌کند باید مو به مو مورد عمل قرار گیرد؛ البته تا وقتی که متناقض یا مخالف قوانین شریعت نباشد. تفصیل مطلب چنین است که درآمدهای وقف باید انحصاراً در راستای اهدافی که وقف برای آن به وجود آمده است مصرف شود. اهداف وقف نیز تا وقتی که اولاً با قوانین شریعت سازگار باشد و ثانیاً قابل حصول باشد نمی‌بایست توسط متولی یا دادگاهی که بر آن نظارت می‌کند تغییر یابد. اگر چنانچه (در اثر تغییر شرایط جامعه) عملی کردن و محقق ساختن اهداف وقف غیر ممکن شود باید درآمدها و عواید وقف در نزدیک‌ترین و

*. شیعیان در زمان‌های گذشته مشکلات اجتماعی خود را از طریق فقهای طراز اول، که به آنان حاکم شرع گفته می‌شود، رفع و رجوع می‌کردند و به همین دلیل دخل و تصرف در اوقاف نیز از نظر فقه شیعه منوط به اذن حاکم شرع است اما در بین اهل سنت به دلیل وجود سیستم خلافت و حکومت، این گونه مسائل از طریق دادگاهها و محاکم عمومی پی‌گیری می‌شد. (مترجم)

** معنای عبارت فوق از نظر فقهای آن است که این فقهای دسته دوم، شرط غیر قابل انتقال و غیر مصرفی بودن اموالی که وقف می‌شوند را قبول کرده‌اند، اما در مصادیق این شرط توسعه داده و کالاها را با دوام، همچون ابزار کشاورزی یا سهام و اوراق قرضه را به منزله املاک و مستغلات که غیر قابل انتقال هستند فرض کرده‌اند. (مترجم)

شبهه‌ترین مورد به اهداف وقف مصرف شود و اگر باز هم امکان نداشت، منافع وقف به فقرا و نیازمندان می‌رسد. ویژگی دوام و استمرار شامل همه قیود و شرایط واقف نیز می‌شود، خواه این شروط مربوط به اهداف و مقاصد وقف باشد، خواه مربوط به توزیع درآمدها باشد و یا در ارتباط با اداره موقوفات و نظارت بر وقف و یا دیگر قسمت‌های وقف.

شرایط وقف کردن

ایجاد و انشای وقف مستلزم شرایطی است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌شود:

۱. موضوع وقف باید از املاک و مستغلات و یا اموال بادوام باشد. در جوامع اسلامی وقف زمین، ساختمان، گله‌های شتر، گاو و گوسفند، کتاب، جواهرات، شمشیر و دیگر ابزار جنگ، و ابزار کشاورزی رواج داشته است.
۲. وقف باید دائمی و غیرموقت باشد*. فقها وقف موقت را فقط در مورد اوقاف خانوادگی و فامیلی جایز دانسته‌اند.
۳. واقف باید شرعاً صلاحیت و توانایی وقف را داشته باشد. بنابراین بچه، مجنون یا کسی که مالک مالی نیست نمی‌تواند وقف کند.

۴. اهداف و مقاصد وقف باید در نهایت به امری ختم شود که هم از نظر شریعت و هم از نظر واقف جنبه خیرخواهی و صدقه داشته باشد. بنابراین اگر ثروتمندی فقط به این دلیل که توانگر است چیزی وقف کند، وقف او از نظر شرعی صحیح نیست و لازم است قصد خیرخواهی و صدقه دادن نیز داشته باشد.

۵. و سرانجام، موقوف علیهم (ذی نفعان وقف) باید زنده و شایسته وقف باشند** و وقف برای مردگان جایز نیست.

اداره وقف (تولیت وقف)

عموماً خود واقف نوع مدیریت و تولیت وقف را در وقف‌نامه مشخص می‌کند. به کسی که اداره امور وقف را بر عهده دارد اصطلاحاً «متولی» یا «ناظر وقف» گفته می‌شود. مسؤولیت متولی آن است که درآمدهای وقف را، به بهترین شکل، در راستای منافع موقوف علیهم به کارگیرد. اولین وظیفه متولی حفظ و نگهداری خود موقوفه است و سپس به حداکثر رساندن درآمدزایی آن. دستمزد و حق و حقوق خود متولی نیز معمولاً در وقف‌نامه‌ها بیان می‌شود. اما اگر در وقف‌نامه مطلبی در این باره ذکر نشده باشد، متولی، در صورتی که نخواهد مجانی کار کند، باید به محاکم قضایی مراجعه کند تا مبلغی به عنوان دستمزد برایش تعیین کنند.

سیستم قضایی، یعنی محاکم و دادگاه‌ها، مرجع نهایی رسیدگی و رفع و رجوع همه مسائل و مشکلات مربوط به وقف هستند. در اوایل قرن هشتم، یکی از قضات مصری، دفتری جهت نظارت و ثبت و ضبط اسناد مربوط به اوقاف آن منطقه تأسیس کرد. این اقدام شکل رسمی یافت و منجر به ایجاد «دفتر ثبت اسناد و کنترل اوقاف» زیر نظر قاضی القضاة وقت شد. همزمان با دوران افول تمدن اسلامی، فساد و سوء استفاده به موقوفات نیز سرایت کرد و این مسأله باعث شد دخالت‌های

*. یعنی نمی‌توان وقف را به یک یا چند سال منحصر کرد و اصلاً قید زمان در وقف جایز نیست مگر در مورد وقف برای اولاد و خانواده که در متن ذکر شده است. (مترجم)
 **. از نظر فقهی وقف برای بعضی افراد و گروه‌ها جایز نیست. مثلاً وقف بر کافر حربی یا وقف بر اشخاصی که مالشان را در راه معصیت انجام می‌دهند جایز نیست. (مترجم)



دولتی در امور اوقاف زیادتر شود، و پس از این دوره بود که امپراطوری عثمانی در اوایل قرن نوزدهم، وزارتی مخصوص امور اوقاف تأسیس کرد و قوانینی حقوقی برای اوقاف وضع شد که مهمترین آن ۱۶ قانون اوقاف مصوب ۲۹ نوامبر سال ۱۸۶۳ میلادی بود. این قانون به اجرا درآمد و اداره و نظارت بر اوقاف را سامان بخشید و حتی پس از تجزیه امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۱۸ تا سال‌ها در کشورهای ترکیه، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین و عربستان سعودی به این قانون عمل می‌شد. در حال حاضر نیز بیشتر کشورهای اسلامی نهادها و سازمان‌های وقف و امور خیریه دارند. این نهادها (وزارت یا سازمان) موقوفات را کنترل و درآمدهای آنها را در ساختن و نگهداری مساجد هزینه می‌کردند. مسلمانان مقیم کشورهای غیر اسلامی نیز اوقاف خود را براساس قوانین شریعت اسلام، در بین محدودیت‌های قانونی و قواعد دست و پاگیر آن کشورها تأسیس کرده‌اند. مثلاً در هند، جایی که اقلیت عظیمی از مسلمانان زندگی می‌کنند، ایجاد و انشای وقف در سال ۱۹۵۴ در سطح دولتی به رسمیت شناخته شد و وزارت حقوق هند یک مقام نظارتی بر امور اوقاف مسلمانان در نظر گرفت و اکنون هر ایالت هند یک هیأت وقف، متشکل از ۱۱ عضو مسلمان دارد.

انجمن‌های اسلامی آمریکا و کانادا، موقوفات خود را بر اساس قوانین و مقررات بنیادهای خیریه اداره می‌کنند. به این معنا که هر یک از گروه‌های اسلامی یک مؤسسه غیر انتفاعی، که عمدتاً یک مسجد محلی یا یک مرکز اسلامی را به عنوان وقف در اختیار دارند، تأسیس می‌کنند. در سال ۱۹۷۵ میلادی، بنیاد اسلامی شمال آمریکا (NAIT)^۸ در ایالت ایندیانا به ثبت رسید. یکی از اهداف عمده این مؤسسه اسلامی غیر انتفاعی این بود که اوقاف مسلمانان شمال آمریکا را اداره کند و دارایی آنها را توسعه و ارتقا دهد. چند سال بعد، مؤسسه مشابهی با همان نام در ایالت انتاریو^۹ کانادا به ثبت رسید. این دو بنیاد مسئولیت حفظ و نگهداری بسیاری از مساجد،



مراکز و مدارس اسلامی شمال امریکا را در اختیار دارند.

نقش اجتماعی - سیاسی وقف

ویژگی استمرار و دوامی که در وقف وجود دارد، موجب انباشت ثروت موقوفات در همه سرزمین‌های اسلامی می‌شود و تنوع اهداف وقف، حوزه وسیعی از فعالیت‌های مذهبی و اعمال خیریه را پشتیبانی می‌کند. گستردگی وقف و اهداف آن نقش مهمی در حیات اجتماعی سیاسی جوامع و گروه‌های اسلامی ایفا می‌کند. گزارش‌ها و اطلاعاتی که از دفاتر ثبت اوقاف استانبول، بیت‌المقدس، قاهره و دیگر شهرهای اسلامی استخراج شده، حاکی از این است که زمین‌های وقفی، مقدار قابل توجهی از زمین‌های مزروعی را در بر می‌گیرد، به عنوان مثال یکی از نقشه‌های مربوط به سال‌های ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ از زمین‌های مصر نشان می‌دهد که از مجموع ۲/۳۷۵ میلیون جریب، ۵۷۰/۰۰۰ جریب از زمین‌های وقفی تشکیل می‌دادند. (رمضان، ۱۹۸۳، ص ۱۲۸)

یا مثلاً در سال ۱۸۴۱ در الجزیره (مرکز الجزایر) تعداد ۵۴۳ زمین وقفی که منافع و درآمدهای آن صرف مخارج مسجد جامع می‌گردید شمارش شده است. (ابوالأجفان، ۱۹۸۵، ص ۳۲۶).

در ترکیه در اواخر قرن بیستم، حدود یک سوم زمین‌ها وقفی بوده‌اند (آرماگان، ۱۹۸۹، ص ۳۳۹). و بالأخره در فلسطین تعداد اسناد ثبت شده وقفی تا میانه قرن ۱۶ میلادی به ۲۳۳ عدد می‌رسد که شامل ۸۹۰ موقوفه می‌شود، در حالی که در همین زمان فقط ۹۲ سند شخصی، شامل ۱۰۸ قطعه املاک، به ثبت رسیده است. (IRCICA، ۱۹۸۲، ص L)

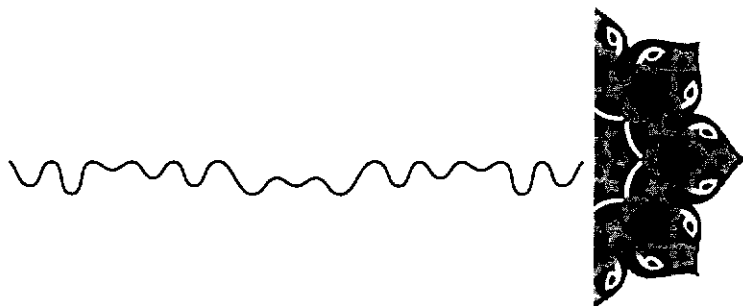
درآمدهای وقف عمدتاً در مساجد هزینه می‌شوند. این هزینه‌ها شامل حقوق و دستمزد امام جمعه و جماعت، معلمان و مربیان امور مذهبی و واعظان می‌شود. با این پشتوانه مستقل مالی، رهبران مذهبی (روحانیون) و مربیان مسائل مذهبی، غالباً می‌توانستند در قبال طبقه حاکم موضعی مستقل اتخاذ کنند. برای نمونه، وقتی سربازان فرانسوی الجزیره را در سال ۱۸۳۱ اشغال کردند، کنترل امور موقوفات را در دست گرفتند تا بتوانند رهبران مذهبی که بر علیه آنها مبارزه می‌کردند را در تنگنا و تحت فشار قرار دهند

(ابوالأجفان، ۱۹۸۵، ص ۳۲۵)

جدای از تعلیمات مذهبی که در مساجد و با هزینه اوقاف انجام می‌شد، آموزش عمومی نیز دومین دریافت‌کننده عمده درآمد‌های وقفی (بعد از مساجد) بودند. از همان صدر اسلام، آموزش با درآمد‌های وقفی و کمک‌ها و اعانه‌های مردمی پشتیبانی مالی می‌گردید. حتی اختصاص بودجه آموزشی دولتی نیز معمولاً به شکل ساختن مدارس و اختصاص ملکی وقفی برای هزینه‌های جاری مدارس بوده است. اوقاف زمان ایوبیان (۱۱۷۱ - ۱۲۴۹) و مملوکیان (۱۲۵۰ - ۱۵۱۷) فلسطین و مصر نمونه‌های خوبی برای مطلب ذکر شده هستند. بر اساس منابع تاریخی، اورشلیم (بیت المقدس) در ابتدای قرن بیستم، ۶۴ مدرسه داشته که همگی وقفی بوده است. این مدارس همچنین از پشتوانه مالی اوقاف فلسطین، ترکیه و سوریه برخوردار بودند. تعداد ۴۰ عدد از این مدارس توسط حاکمان و مقامات ایوبیان و ممالیک وقف شده بودند. (العسلی، ۱۹۸۳، صص ۹۵ - ۱۱۱). دانشگاه الازهر نمونه دیگری برای استفاده نظام آموزشی از اوقاف است. این دانشگاه در سال ۹۷۲ پایه‌گذاری شد و بودجه آن تا زمان روی کار آمدن محمد علی در مصر و به کنترل درآوردن اوقاف در ۱۸۱۲، توسط درآمد‌های وقفی مخصوص به خود دانشگاه تأمین می‌شد. (رمضان، ۱۹۸۳، ص ۱۳۵)

هزینه‌های اوقاف در نظام آموزشی معمولاً شامل: کتابخانه‌ها، کتاب‌ها، حقوق معلمان و کارمندان مدارس و شهریه دانشجویان می‌شود. تأمین هزینه‌های آموزشی، به ویژه در دوران شکوفایی اسلام محدود به تحصیلات مذهبی نبود و در همه عرصه‌های آموزشی هزینه می‌شد. افزون بر آن، این نحوه هزینه کردن درآمد‌های وقفی در امور آموزشی، به شکستن انحصار آموزشی کمک می‌نمود و باعث می‌شد غیر از طبقات حاکم و اشراف، از بین عموم مردم نیز گروه‌های فرهیخته سر برآورند. در برخی دوران‌های تاریخی مشاهده می‌شود که اغلب دانشمندان مسلمان از طبقات فقیر و پایین جامعه برآمده‌اند و خیلی وقت‌ها همین دانشمندان با قوت در مقابل سیاست‌های حاکمان ایستادگی کرده‌اند. (السید، ۱۹۸۹، صص





(۲۳۷، ۲۵۸)

سومین دسته عمده‌ای که در اموال وقف سهیم هستند عبارتند از: فقیران جامعه، نیازمندان، یتیمان (ایتام)، زندانیان و موارد دیگر از این قبیل. از دیگر موارد مصرف درآمدهای وقف می‌توان به امور درمانی و بهداشتی، شامل ساختن بیمارستان‌ها و تأمین مالی پزشکان و کارآموزان و هزینه درمان بیماران اشاره کرد. بیمارستان کودکان شیشلی^۱ استانبول که در سال ۱۸۹۸ بنا گردیده است از جمله این موارد می‌باشد. (السید، ۱۹۸۹، ص ۲۸۷)

وقف برای حفظ و نگهداری حیوانات نیز وجود دارد. به عنوان مثال در دمشق موقوفاتی برای حفظ و نگهداری گربه‌ها و یا اسب و قاطرهای از کار افتاده وجود دارد (السباعی، ۱۹۶۹). همچنین اوقافی وجود دارد که در یاری رساندن به مردم در سفر به حج و یا ازدواج دختران دم بخت و بسیاری از مقاصد خیرخواهانه و انسان دوستانه دیگر هزینه می‌گردد.

وضعیت وقف در قرن بیستم

در خلال دوران استعماری قرن نوزدهم و بخش قابل توجهی از قرن بیستم، اداره اوقاف در بسیاری از کشورهای استعمار زده، به استثنای چند کشور مانند الجزایر و اندونزی، به پیروی از الگوهای سنتی و موروثی ادامه دادند. البته جو عمومی عقب‌ماندگی و توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی مسائل مربوط به وقف را نیز در بر گرفته بود. به علاوه، سیستم آموزش غربی که از طریق حکومت‌های استعمارگر وارد کشورهای اسلامی شد و توسط امکانات اقتصادی جدید تقویت گردید بزرگترین ضربه را بر پیکره آموزش سنتی که با درآمدهای اوقاف (که از پیش تضعیف شده بود) پشتیبانی می‌شد وارد کرد.

با استقلال یافتن بسیاری از کشورهای اسلامی در اواسط قرن نوزدهم، دولت‌های ملی تأسیس شد و این دولت‌ها مواضعی عمدتاً منفی نسبت به وقف و اوقاف اتخاذ کردند. برای نمونه دولت‌های سوریه، مصر، ترکیه، تونس، و الجزایر بسیاری از موقوفات را به اموال عمومی دولت‌ها ملحق کردند و از طریق اصطلاحات ارضی و سایر شیوه‌ها، زمین‌های وقفی را تقسیم کردند. البته دولت‌های این کشورها خود را ملزم به تأمین بودجه مساجد و برخی مدارس دینی از جمله دانشگاه الازهر در قاهره می‌دانستند، اما درآمدها و اموال وقف را ضمیمه دارایی‌های دولتی کردند.

بسیاری از کشورهای اسلامی، اداره‌ها و سازمان‌هایی در خصوص اداره اوقاف و امور مذهبی تأسیس کردند. پس از آنکه وقف از حالت پویایی و توسعه بازماند، کلمه وقف اکنون بیشتر یادآور مساجد است. با این حال برخی کشورها از جمله لبنان، ترکیه، اردن و اخیراً الجزایر اقداماتی در زمینه احیا و بازسازی و توسعه موقوفات انجام داده‌اند و قوانین جدیدی برای بهبود، حفظ و توسعه اوقاف و همچنین تشویق مردم جهت ایجاد وقف‌های جدید وضع کرده‌اند.

مآخذ

۱. ابوالاجفان، محمد، «الوقف علی المسجد فی المغرب و الاندلس»، دراسات فی الاقتصاد الاسلامی، جده ۱۹۸۵.
۲. آرماگان، سروت «لمحة عن حالة الاوقاف فی الترتیة». ادارة و تتمریر ممتلكات الاوقاف، ویراسته حسن عبدالله الامین، جده ۱۹۸۹.
۳. عسلی، کامل جمیل «مؤسسات الاوقاف و مدارس بیت المقدس» *Symposium on Awqaf Institution in the Arab Islamic Word*، بغداد ۱۹۸۳.
۴. بصر، هصمت، *Management and Development Of Awqaf Properties*، جده ۱۹۸۷.
۵. مرکز تحقیقات اسلامی در تاریخ، فرهنگ و هنر *Muslim Pious (IRCICA) Foundations (Awqaf) and Real Estates in Palestine* The استانبول ۱۹۸۲.
۶. قرشی، م. ا.، *waqf in India*، دهلی نو، ۱۹۸۹.
۷. رمضان، مصطفی محمد، «دور الاوقاف فی دعم الازهر»، *Symposium on Awqaf Institutions in the Arab and Islamic world*، بغداد ۱۹۸۳.
۸. السید، عبدالملک، «الوقف الاسلامی و الدور الذی لعبه فی النمو الاجتماعی فی الاسلام»، ادارة و تتمریر ممتلكات الاوقاف، ویراسته حسن عبدالله امین، جده، ۱۹۸۹.
۹. السباعی، مصطفی، من روائع حضارتنا، بیروت ۱۹۶۹.
۱۰. زرقا، مصطفی، احکام الاوقاف، دمشق، ۱۹۴۷.

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

پی‌نوشت‌ها

1. Confinement.
2. prohibition
3. Habs.
4. Foundations.
5. Quba.
6. Philanthropic.
7. Mukhayriq.
8. The North American Islamic Trust.
9. Ontario.
10. Shishli.